

نقش مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان (تعیین راهبرد و سیاست)^۱

ابوالفضل فراهانی^{۲*}، الهام غلامپور^۳، امین عادل‌خانی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۳)

چکیده

دانشجویان اولین گروهی‌اند که می‌توانند در مورد آموزش‌ها و مهارت‌های خود اظهار نظر کنند. نظرهای این گروه در رابطه با سیاست‌گذاری دولت درباره اشتغال اهمیت ویژه‌ای دارد. لذا، هدف از این پژوهش بررسی مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان با تحلیل نظرهای دانشجویان کارشناسی‌ارشد این رشته بود. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و شیوه اجرا میدانی بود. جامعه آماری تحقیق تمامی دانشجویان کارشناسی‌ارشد تربیت‌بدنی در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بودند که با بهره‌گیری از جدول مورگان ۳۳۰ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای نمونه‌گیری شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که پس از تعیین روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت ($\alpha=0/84$). از آمار توصیفی و آزمون t تک‌متغیره برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد، از نظر دانشجویان کارشناسی‌ارشد تربیت‌بدنی، نقش سیاست‌گذاری دولتی بر انتظارات شغلی دانشجویان در حد «زیاد»، نقش سیاست‌گذاری دولتی بر رضایت شغلی دانشجویان بین «متوسط» تا «زیاد»، نقش آموزش نظری در آینده شغلی دانشجویان بین «متوسط» تا «زیاد»، نقش آموزش عملی و مهارتی در آینده شغلی دانشجویان در حد «زیاد»، نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان بین «متوسط» تا «زیاد» و نقش عوامل اقتصادی و معیشتی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان در حد «زیاد» ارزیابی می‌شود؛ همچنین، اختلاف میانگین تمامی گویه‌های تحقیق با میانگین فرضی سه، معنادار بود ($P<0/05$). به‌طور کلی، نقش مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان بسیار مهم و حیاتی است. در پایان، با عنایت به یافته‌های پژوهش، راهبرد پیشنهادی محققان به مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی عبارت است از تقسیم مسئولیت در دانشکده‌ها و گروه‌ها با سه رویکرد آموزش‌محور، پژوهش‌محور و کارآفرین، به ترتیب در راستای دستیابی به مرزهای علوم ورزشی در جهان، حرفه‌ای کردن علوم از طریق افزایش کیفیت آموزش عالی در رشته تربیت‌بدنی، و کارآفرینی و حل بحران بیکاری با اختصاص تسهیلات خوداشتغالی به دانشگاهیان کارآفرین حوزه ورزش. سیاست‌هایی نیز برای دستیابی به راهبرد پیشنهادی ارائه شده است.

واژگان کلیدی

انتظارات شغلی، تربیت‌بدنی، راهبرد و سیاست، مدیریت و سیاست‌گذاری.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

مقدمه

محرك اصلی در توسعه جامعه، دانش‌های نوین، ایده‌های تازه و آرمان‌های جدید است. آموزش عالی منبع تولید دانش و ایده‌های نوست. نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی کشورها، چه در اقتصادهای مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و چه در کشورهای تازه‌صنعتی شده و در حال توسعه، چشمگیر و بی‌بدیل ارزیابی می‌شود. نقش هیچ عاملی را در توسعه کشور نمی‌توان با عامل انسانی برابر دانست. انسان هم عامل توسعه و هم هدف آن است و بی‌گمان نقش عامل انسانی با رشد دانش و فناوری ارتقا می‌یابد (خواجeh شاهکوهی، ۱۳۸۷). آموزش عالی بنا به دلایل قانونی، اقتصادی، عدالت‌خواهانه و پاسخ به تقاضای اجتماعی در همه کشورهای جهان همواره رو به گسترش بوده است. از این‌رو، درک اهمیت آموزش عالی در کشورهای جهان باعث شده است تا توسعه آموزش عالی در اولویت سیاست‌گذاری‌های آموزشی آن‌ها قرار گیرد، به طوری که تعداد دانشجویان جهان از ۱۳ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ با بیش از ۱۲ برابر افزایش به ۱۵۸/۷ میلیون نفر در سال ۲۰۰۸ رسیده است (روشن، ۱۳۸۹).

مقایسه تقاضا و عرضه آموزش عالی در کشور ایران نشان می‌دهد نسبت تقاضا به عرضه آموزش عالی در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ ۴/۴ بوده و در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به ۱/۹ رسیده است. این شاخص نشان می‌دهد مثلاً در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به ازای هر ۱/۹ نفر متقاضی ورود به دانشگاه یک ظرفیت پذیرش وجود داشته است. به عبارت دیگر، تقاضای آموزش عالی حدود دو برابر عرضه آن در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ بوده است. کاهش این شاخص طی دهه مزبور حکایت از رشد سریع آموزش عالی دارد (روشن، ۱۳۸۹). این در حالی است که یکی از رسالت‌های آموزش عالی، تربیت نیروی متخصص و متعهد است؛ چرا

که نیروی متخصص و کارآمد در توسعه هر کشور نقشی اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، ایجاد اشتغال و استفاده از خدمات آن باید در زمره مشغولیت‌های مهم هر سیستم آموزش عالی باشد تا بتواند با استفاده مناسب از این سرمایه بی‌بدیل و سرنوشت‌ساز، کشور را به سمت توسعه روزافزون سوق دهد.

امروزه، آموزش عالی نقش مهمی در بازار کار ایفا می‌کند و با پرورش مهارت‌های لازم برای دانش‌آموختگان، در رسیدن به این مأموریت نقش عمده‌ای دارد (سعیدی‌رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹). البته، آموزش صرفاً یک حرفه، تخصص یا کارکرد نیست؛ بحث تعلیم و تربیت جایگاه پیچیده و والایی در فرهنگ اسلامی و ایرانی دارد و امروزه گفته می‌شود آموزش مأموریت انتقال راهبردها برای زندگی کردن است و این مأموریتی بسیار مهم به شمار می‌رود. بخش اعظمی از نظام علمی کشور ما را آموزش عالی یا دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهد که به امر آموزش و تربیت متخصصان اشتغال دارد. برای ایجاد تحول و رشد و ارتقای این حوزه، در دو دهه اخیر افزایش چشمگیر آموزش عالی و شاید ایجاد عطش کاذب گرایش به مدرک و تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت و کارایی، صدمه جدی بر نظام علمی ایران وارد کرده و موجب افزایش دانش‌آموختگان بیکار و البته فاقد تخصص و کارایی لازم شده است (علیخانی، ۱۳۸۹). این مسئله متضاد با مأموریت اصلی آموزش عالی است و نیاز به بازنگری سیاست‌های خرد و کلان احساس می‌شود.

یکی از سیاست‌های کلی آموزش عالی، پرورش نیروهای مستعد برای تزریق به بازار کار است (Burhanettin et al., 2011). آنچه مسلم است مهم‌ترین مؤلفه در تربیت نیروی انسانی، آموزش نیروی متخصص متناسب با نیازهای اقتصاد ملی است. گسستگی بین سطح تحصیلات کاری موجود با سطح فناوری روز از مشکلات

هزینه‌های گرافیکی را بر خود و خانواده تحمیل می‌نماید (فاضلی، ۱۳۸۲).

در این میان، لازم است دانشگاه‌های دولتی که با اتکا به سرمایه‌های ملی دانشجو می‌پذیرند، رشته‌های تحصیلی‌ای را توسعه دهند که کشور به تخصص دانش‌آموختگان آن نیاز دارد و متخصصانی متناسب با نیاز مردم، تحولات جامعه جهانی و نیاز زندگی بشری به جامعه معرفی کنند. از طرف دیگر، دانش‌آموختگان باید بتوانند مسائل و مشکلات جامعه را حل کنند؛ ولی، در حال حاضر این‌گونه نیست و بخش مهم این نقیصه به ضعف سیاست‌گذاری در حوزه علوم انسانی برمی‌گردد. همچنین، این امر نشان می‌دهد دانشگاه وظیفه و مأموریت اصلی خود را به طور دقیق انجام نداده است. بر این اساس لازم است با هدف مأموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها، مأموریت‌های آن‌ها به طور دقیق و روشن تعریف شود و دانشگاه‌ها موظف شوند طبق مأموریت عمل کنند و با ملاک قرار دادن نتیجه‌گرایی، در صورت حصول نتیجه لازم، به برنامه‌های خود ادامه دهند. در حوزه آموزش عالی، مشکلات، چالش‌ها و نارسایی‌های متعددی وجود دارد که باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد (علیخانی، ۱۳۸۹).

برخی از این مشکلات، نارسایی‌ها و چالش‌ها عبارت‌اند از (حیدری، ۱۳۸۳):

۱. نظری بودن بیشتر درس‌های دانشگاهی، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی و عدم تلاش جدی برای کاربردی کردن آن‌ها؛
۲. نهادینه نشدن فرهنگ کارآفرینی در سطوح گوناگون جامعه که متأسفانه به جای ایجاد فرهنگ کارآفرینی، فرهنگ کارمندپروری در جامعه رشد و گسترش یافته که این امر با توجه به پایین بودن ظرفیت جذب نیرو در اداره‌ها و سازمان‌ها مشکلاتی پدید آورده است؛
۳. عدم پویایی، به‌روزرسانی و هماهنگی واحدهای درسی

اصلی موجود در بازار کار کشور است. بنابراین، برقراری ارتباط مناسب بین نیروی انسانی تربیت شده و نیازهای اقتصادی ملی از مواردی است که باید به آن توجه کرد (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۴). در نتیجه، ضروری است به سرعت رشد کمی متوقف شود و اقدامات اساسی در جهت عمق‌بخشی و رشد کیفی نظام آموزش عالی کشور صورت گیرد (علیخانی، ۱۳۸۹). البته، کارکرد مؤثر دانشگاه‌ها در به تعویق انداختن پدیده بیکاری و ارضای کاذب جوانان از نظر مسئولان به دور نبوده است (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۴).

شایان ذکر است بیشتر دروس دانشگاهی، به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی، نظری است و تلاش جدی برای کاربردی کردن آن‌ها صورت نگرفته است. از این‌رو، دانشجویان بعد از دانش‌آموختگی میان مشاغل موجود دولتی و خصوصی در جستجوی کارند و کمتر به اشتغال‌زایی تمایل دارند که البته این مسئله ریشه در بسیاری عوامل همچون خانواده، فرهنگ، سیاست‌های دولت، اقتصاد، آموزش و پرورش، آموزش عالی و جز آن دارد که هر یک در جای خود قابل بررسی است (کوثری و نوروززاده، ۱۳۸۸).

مهم‌ترین اهداف دانشگاه‌ها عرضه خدمات آموزشی و پژوهشی به جامعه است. همچنین، وظیفه افزودن بر سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای را دانشگاه‌ها به عهده دارند (روشن، ۱۳۸۸؛ Golse, 2005). در این راستا، مراکز آموزشی به طور عام، و نهادهای آموزش عالی به طور خاص، در پیشرفت و گسترش دانش و بینش و نیز تلاش در عرضه رشته‌های متناسب با نیازهای جامعه نقش اساسی دارند. در واقع، تعلیم و تربیت هر دانشجویی موجب صرف نیروی انسانی، مالی و زمانی قابل‌توجهی از منابع ملی می‌گردد (Fish and Lauren, 2010). علاوه بر این، هر دانشجویی سال‌های متعددی از بهترین ایام عمر خویش را در مرکز آموزشی عالی صرف کسب دانش می‌کند و

دانشگاه‌ها با دگرگونی بازار کار و تحولات علوم و فناوری و در نتیجه فقدان تخصص لازم در دانش‌آموختگان؛

۴. نبود ارتباط میان دانشگاه‌ها و مراکز کار اعم از تجاری، تبلیغاتی، تولیدی و صنعتی؛

۵. ناآشنایی جوانان با بازار کار و مشارکت نداشتن فعال بخش خصوصی در زمینه‌های پژوهش، توسعه، فعالیت‌های تولیدی و کارآفرینی.

این موارد نشان‌دهنده ضعف سیاست‌گذاری دانشکده‌ها در حوزه ایجاد اشتغال و انتقال مطالب علمی به بازار کار و کارآفرینی مؤثر است.

به بیان دیگر، توسعه مبتنی بر دانش مستلزم هماهنگی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال است. با توجه به اینکه سازوکار بازار به دلایلی نمی‌تواند هماهنگی لازم و کافی را بین این دو نظام برقرار کند، دخالت دولت اجتناب‌ناپذیر است. امروزه، توسعه اقتصادی نیازمند نظام آموزش عالی پویا و هماهنگ با تحولات نظام اشتغال است. در اصل، تعامل و هماهنگی بین این دو نظام باید به طور خودکار از طریق بازارهای سرمایه‌انسانی و خدمات آموزشی به دست آید، اما به دلیل بعضی مسائل از جمله نبود اطلاعات جامع و به‌روز در خصوص میزان تقاضای سرمایه‌انسانی و سطح دستمزدها و شهریه‌های تحصیلی در بازار خدمات آموزش عالی در کشور ایران تعاملات درست و هماهنگی مطلوبی بین دو بازار سرمایه‌انسانی و خدمات آموزش عالی ایجاد نمی‌شود. بنابراین، هر دو بازار در تخصیص اثربخش بعضی انواع سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی دچار شکست می‌شوند و مسائلی را برای دانش‌آموختگان آموزش عالی و رشد و توسعه اقتصادی به بار می‌آورند که دخالت دولت برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات در

نظام اشتغال را ضروری می‌سازد (انتظاری، ۱۳۸۸). از طرفی، اولین و مهم‌ترین وظیفه دولت، سیاست‌گذاری درباره اشتغال و رفع موانع موجود بر سر راه عملکرد صحیح نیروهای بازار است. اشتغال و اشتغال‌زایی به این مفهوم است که سیاست‌گذاری کلان دولت به گونه‌ای باشد که موانع اشتغال را از میان بردارد تا بنگاه‌ها و کارآفرینان کشور برای تولید و سود بردن، به طور طبیعی نیروی انسانی استخدام کنند. لذا، بازنگری در قانون کار، قانون تجارت، قانون بانک‌ها و قانون بیمه از اهم سیاست‌های واقعی اشتغال است.

اولویت دوم، آموزش و کارآموزی است. آموزش و کارآموزی نقش کلیدی در ارتقا و بهبود کار جوانان دارد. علاوه بر این، اهمیت توسعه آموزش و نظام‌های کارآموزی در قلب مجموعه توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی برای اشتغال جوانان است. کشور آلمان مثال بارزی است از ارتباط و تأثیر توسعه آموزش‌های متناسب و دوره‌های کارآموزی با وضعیت اشتغال جوانان، به طوری که در این کشور نسبت نرخ بیکاری جوانان به نرخ بیکاری بزرگسالان یک به یک است، در حالی که در اکثر کشورها این نسبت بین دو تا پنج به یک است (قارون، ۱۳۸۳). لذا، نقش سیاست‌گذاری جهت تحقق مأموریت‌های آموزش عالی در دانشگاه‌ها بسیار اهمیت دارد. شایان ذکر است سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی، به خصوص دانشگاه‌ها، از جمله اقدامات به شدت تخصصی است که به صاحب‌نظران خاص خود نیاز دارد و هرگونه کم‌توجهی در این امر، خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت (علیخانی، ۱۳۸۹).

براساس دیدگاهی عمومی، ساختار اقتصاد در سطح بین‌المللی و ملی متأثر از جهانی شدن منجر به تغییر و بروز بحران در بازار کار و سطح اشتغال افراد شده است. امروزه، در ایران مسئله اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی و

مسائل و تحولات علمی و فناوری در آن بستگی دارد (Burhanettin *et al.*, 2011). بنابراین، سیاست‌گذاری کلان دولت در آموزش عالی و سیاست‌گذاری خرد دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های علمی به منظور هدایت انتظارات شغلی، همچنین برای آشنایی دانشجویان با نیازها و تحولات بازار کار اهمیت می‌یابد.

از طرف دیگر، انتظار جامعه این است که دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها قادر باشند در مقایسه با سایر افراد هم برای خود کارآفرینی کنند و هم زمینه اشتغال افرادی با تحصیلات پایین‌تر را فراهم آورند. ترکیب جمعیتی جوان کشور و ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی، لزوم رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به مواد خام اولیه، به ویژه نفت خام، همچنین خروج از وضعیت اقتصادی تک‌محصولی از یک سو، و روندهای موجود در جامعه اطلاعاتی از سوی دیگر، عواملی‌اند که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان کلان کشور را وامی‌دارند به منبع اتکال‌پذیری به جز مواد اولیه بیندیشند. بی‌شک با توجه به الزاماتی که جامعه اطلاعاتی دارد، این منبع حیاتی چیزی جز خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی نیست (آراسته، ۱۳۸۲ب). کارآفرینی و ایجاد اشتغال بیش از هر چیز به میزان و نحوه سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و تحقیق و توسعه کشور بستگی دارد. رسالت آموزش عالی شامل آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی است. ایجاد توازن بین این عناصر پویایی دانشگاه را به همراه خواهد داشت. تحقیقات متناسب با نیازهای جامعه و اجرای یافته‌های پژوهشی، نوآوری را به ارمغان می‌آورد. یافته‌های پژوهشی از طریق آموزش در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد و دانشجویان با کسب تجربیات فردی و تخصصی به خود و جامعه خدمت می‌کنند. تاریخ یک قرن اخیر کشورهای پیشرفته به خوبی نشان می‌دهد رشد اقتصادی، افزایش کیفیت زندگی مردم، نوآوری، کارآفرینی، تربیت نیروی انسانی و پرورش استعدادها در خشان و دانشمندان به میزان

مهارت‌های آنان از دغدغه‌های اصلی دولت، مراکز آموزشی و صنعتی، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، خانواده‌ها و دانشجویان است. در واقع، برای برنامه‌ریزی و اقدام منطقی هر چهار رکن نامبرده، به ارزیابی دانش‌آموختگان و آگاهی از توانمندی آموزش‌های ارائه شده، مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی نیاز است. البته، دانش‌آموختگان اولین گروهی هستند که به خوبی می‌توانند در خصوص آموزش و مهارت‌های خود اظهار نظر کنند (مهرعلی‌زاده و آرمن، ۱۳۸۶). بنابراین، نظرهای دانشجویان کارشناسی ارشد (دانش‌آموختگان کارشناسی، به عبارت دیگر کارشناس هر رشته) درباره نقش سیاست‌گذاری دولت درباره اشتغال آینده آنان بسیار اهمیت دارد و به اصلاح یا جهت‌دهی مطلوب‌تر این سیاست‌ها می‌انجامد.

انتظارات شغلی^۱ آن گروه از مشاغل را شامل می‌شود که فرد در آینده آرزو دارد به انجام آن‌ها بپردازد. انتظارات شغلی بیشتر جنبه رویا دارند و تا حدودی از واقعیت به دورند و بر خواست‌ها و امیال استوارند. به عبارت دیگر، به هنگام انتخاب شغل، فرد به عوامل متعددی توجه می‌کند و آن شغل را برمی‌گزیند تا احتمال موفقیت در انجام آن بیشتر باشد. به هنگام ترجیح، فرد بیشتر به آن چیزهایی که دوست دارد می‌اندیشد. در انتظارات شغلی، فرد رویاپردازی می‌کند و به ایده‌آل‌ها توجه دارد. انتخاب شغل هر می‌است که انتظارات قاعده آن را تشکیل می‌دهد. سپس، ترجیح‌ها و در رأس انتخاب قرار می‌گیرد. هر چه سن افزایش یابد، معمولاً از انتظارات کاسته می‌شود و به ترتیب ترجیح و انتخاب قرار می‌گیرد (واقفی‌نظری، ۱۳۸۹). یکی از جنبه‌های مهم شغل که با تأمین انتظارات و پیشرفت در شغل در ارتباط است، آموزش و یادگیری در شغل است. پویایی شغلی^۲ به میزان تغییرات محتوایی، نیاز به حل

1. job expectation
2. job dynamic

سرمایه‌گذاری در آموزش و مراکز تحقیقاتی خصوصی و دولتی بستگی داشته است (آراسته، ۱۳۸۲الف).

در بخش ورزش، مداخله دولت در آموزش، به‌ویژه در بخش آموزش ملی، با دلالت بر آموزش تربیت‌بدنی تأکید شده است. با آگاهی از نیازهای کارآفرینان و مشاغلی که نیاز به حمایت دارند، به نظر می‌رسد دولت در بهترین موقعیت برای تعیین سیاست و طراحی برنامه‌ها با هدف تشویق کارآفرینی ورزشی باشد. در این زمینه دولت (یعنی، تمام اجزای نظام اداره‌کننده کشور) ایجادکننده، کمک‌کننده و تسهیل‌کننده است و برای پیشبرد جامعه در مسیر توسعه پایدار کارآفرینی، با توجه به سرمایه‌گذاری صحیح در نظام آموزشی، حمایت اجرایی، مساعدت نسبت به کارآفرینان جدید و ایجاد گروه‌های تحقیقاتی و مراکز رشد دانشگاهی می‌تواند به این امر کمک کند (مندعلی‌زاده و هنری، ۱۳۸۹).

در این راستا، تحقیق حاضر با هدف شناخت حقایق حاکم بر نقش سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی اهمیت ویژه‌ای دارد. این افراد اولین گروهی‌اند که می‌توانند در مورد آموزش‌ها و مهارت‌های فراگرفته در طول تحصیل اظهار نظر کنند. با شناخت انتظارات شغلی کارشناسان تربیت‌بدنی می‌توان با استناد به ادله پژوهشی جهت‌دهی مطلوبی برای سیاست‌های دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی داشت.

تربیت‌بدنی و علوم ورزشی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که از جهات مختلف با علوم پایه و علوم تندرستی پیوند یافته و اثر و نقش جدی آن با توانبخشی و بهسازی جسمی و روحی افراد جامعه انکارناپذیر است و در نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه و منزلت ویژه‌ای دارد. دامنه فعالیت و کارآیی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در آموزش و پرورش،

و بهداشت فردی و اجتماعی بسیار وسیع است، به طوری که تمام گروه‌های سنی را از پیش از تولد تا دوره سالخوردگی و کهولت دربرمی‌گیرد. با عنایت به این مهم و به منظور تحقق بخشیدن به بند سه از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص در این رشته ضروری است. پیوند تربیت‌بدنی با سایر علوم از یک سو و کاربرد وسیع اجتماعی-فرهنگی آن اهم از افزایش آگاهی و معرفت افراد جامعه از طریق ورزش (عادلخانی و همکاران، ۱۳۹۱) از سوی دیگر، بر اهمیت علمی و کاربردی آن افزوده است. بنابراین، دقت و وسواس بیشتری را در جذب و تربیت افراد مستعد طلب می‌کند (کیوانلو، ۱۳۹۰).

در دهه حاضر، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و یکی از مهم‌ترین مشکلات نیروی انسانی تحصیل‌کرده ورزشی کشور بیکاری است (حیدری، ۱۳۸۳) که لزوم بررسی سیاست‌های دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی را در این زمینه نشان می‌دهد. این در حالی است که حجم وسیع تبادل‌ات مالی در صنعت ورزش، تغییر سبک زندگی و اوقات فراغت مردم، رویدادهای رو به گسترش ملی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی ورزش با چهار حوزه کاری متفاوت اعم از ورزش تربیتی (پرورشی)، همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی همه فرصت‌های بی‌شماری را در اختیار کارآفرینان ورزشی قرار می‌دهد. برای اینکه فردی کارآفرین ورزشی محسوب شود، باید شغلی که ایجاد می‌شود براساس رفع نیازی جدید باشد و کاری نباشد که پیش از آن سایر صاحبان مشاغل ورزشی ایجاد کرده باشند (هزارجریبی، ۱۳۸۲). در بررسی مشاغل ورزشی در دنیا به مشاغل متعددی در حوزه ورزش برمی‌خوریم که به دلیل فضا و ساختار کشور، بسیاری از این مشاغل در کشورمان یا وجود ندارد یا در دست افراد غیرمتخصص قرار گرفته است. در ادامه برخی فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در

ورزش بیان می‌شود.

با اینکه بسیاری از ورزش‌ها با پیشینه کهن مانند کشتی، دو و میدانی، تیراندازی، اسب‌سواری، شنا و جز آن هنوز هم وجود دارند و به آن‌ها در سطوح مختلف پرداخته می‌شود، ورزش در معنای امروزی خود به کلی با ورزش در معنای قدیمی آن متفاوت است و در این رهگذر دستخوش تحولات و دگرگونی‌های فراوان شده است. در توضیح این دگرگونی باید گفت که از یک‌طرف ورزش‌های جدید، همچنین ورزش‌هایی که نیازمند امکانات و تجهیزات خاصی اند به ورزش‌های قدیمی اضافه شده‌اند و از طرف دیگر برای تمامی ورزش‌ها قواعد و قوانین علمی و دقیقی وضع شده است. به این نکات باید مواردی از قبیل حرفه‌ای شدن و به صورت شغل درآمدن ورزش‌ها، صنعتی شدن آن‌ها و حتی در مواردی در بعضی کشورها سهم شدن ورزش در تولید ناخالص ملی را نیز اضافه کرد.

تأثیر وسیع و همه‌جانبه تفریحات عمومی رشته‌های ورزشی و برنامه‌های تربیت‌بدنی موجب بیداری و درک عموم از اهمیت هر چه بیشتر عرضه خدمات و تسهیلات تفریحی شده است. تعلیمات اخیر سازمان‌های جهانی درباره وجود و استفاده از برنامه‌های تفریحی و تسهیلات ورزشی به صورت مساوی برای تمامی اقشار جامعه، تأثیر شگرفی بر استفاده از تجهیزات موجود گذاشته و به ایجاد تقاضای بیشتر برای در اختیار قرار گرفتن تسهیلات جدید انجامیده است. تهیه وسایل و لوازم ورزشی مورد نیاز، ساخت اماکن و فضاهای ورزشی، دستمزد نیروی انسانی شاغل در امور ورزشی، هزینه‌های ناشی از نگهداری و تعمیر لوازم ورزشی و مواردی از این قبیل ایجاب می‌کند بخشی از منابع مالی هر جامعه‌ای به این موارد اختصاص یابد. بر اساس بررسی به عمل آمده در صورت اختصاص تمهیدات لازم، امکان اشتغال‌زایی نیروی جدید در اماکن ورزشی میسر است.

سابقه راه‌اندازی رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی به عنوان رشته‌ای آکادمیک در کشور به نیم‌قرن می‌رسد. نظام آموزشی کشور در حال حاضر در تمامی دوره‌های تحصیلی (دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا) هر ساله به تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان می‌پردازد. همچنین، پذیرش دانشجو در رشته تربیت‌بدنی از طریق نظام‌های مختلف دانشگاهی (دولتی، پیام نور، آزاد و غیرانتفاعی) رشد افزایشی داشته است. اما، دقیقاً مشخص نیست چه تعداد از آن‌ها در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول فعالیت‌اند. در همین خصوص، نقش نظام آموزشی، به‌ویژه آموزش عالی در تربیت دانش‌آموختگانی که علاوه بر داشتن علم در حوزه‌ای تخصصی، اعتماد به نفس، قدرت ابتکار، خلاقیت و خطرپذیری دارند و می‌توانند با استفاده از امکانات، فرصت‌ها و توانمندی‌ها اشتغال مولد و درآمدزا ایجاد کنند بر کسی پوشیده نیست (کوثری و نوروززاده، ۱۳۸۸). دانش‌آموختگان رشته تربیت‌بدنی می‌توانند با استفاده از توانمندی‌ها و مهارت‌هایی که در طول تحصیل فراگرفته‌اند، نه تنها در زمینه کاربردی کردن علوم به منظور بهبود سلامت و تندرستی جامعه و پیشرفت ورزش کشور، بلکه جهت استفاده از توان بالقوه ورزش برای ایجاد اشتغال نه فقط برای دانش‌آموختگان این رشته بلکه برای افراد دیگر مفید باشند.

شایان ذکر است با عنایت به فرصت‌های شغلی موجود در ورزش، دانش‌آموختگان تربیت‌بدنی می‌توانند با کارآفرینی نسبت به اشتغال افراد بیکار در حوزه ورزش، همگام با کشورهای توسعه‌یافته اقدام نمایند. لذا، تحقیق حاضر با ارزیابی و تحلیل انتظارات شغلی دانشجویان کارشناسی ارشد (کارشناسان) رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی که باید توانمندی‌ها و آموخته‌های خود را در بازار کار به عرصه ظهور برسانند، به منظور بازننگری و جهت‌دهی مطلوب‌تر سیاست‌های دانشکده‌ها و گروه‌های

کارآفرینی و کم‌بودن تعداد کارآفرینان، انتظارات شغلی دانشجویان تربیت‌بدنی از اشتغال و آینده شغلی در استان‌های خراسان و یزد، نگرش دانشجویان رشته بهداشت و محیط دانشگاه علوم پزشکی به رشته تحصیلی و آینده شغلی، میزان امیدواری به اشتغال در آینده دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، تأثیر محتوای دروس تربیت‌بدنی در پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دید دانشجویان و کارفرمایان، میزان برخورداری دانشجویان از مهم‌ترین مهارت‌های اشتغال‌زایی در بازار کار جهانی، افزایش یکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی به علل ساختاری و محتوایی، نقش آموزش‌های تخصصی نظری و عملی، و انتظارات شغلی اعضای هیئت علمی پرستاری. لذا، با عنایت به اهمیت اشتغال جوانان و دانش‌آموختگان برای دولت و نقش تعیین‌کننده سیاست‌های کلان اتخاذی دولت و تأثیر آن بر سیاست‌های وزارت علوم، دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های علمی تحقیق، تعیین نقش سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی بر هدایت انتظارهای شغلی دانشجویان ضرورت می‌یابد.

بسیاری از تحقیقات نیم‌قرن اخیر نشان می‌دهد انتظارات شغلی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب شغلی افراد دارد و نشان‌دهنده فعالیت اجتماعی آینده افراد است. لذا، با عنایت به اهمیت انتظارات شغلی و مسئله بیکاری دانش‌آموختگان، همچنین تأثیر این موضوع و پیامدهای ناشی از آن، و با توجه به اینکه درباره نقش مدیریت سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان بررسی علمی انجام نشده است، در این تحقیق به تحلیل و ارزیابی انتظارات شغلی دانشجویان پرداخته شده است تا بتوان با شناخت انتظارات، امیال و نظرهای دانشجویان با جهت‌دهی مطلوب‌تر سیاست‌های دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، از یک سو در راستای حل بحران بیکاری و ایجاد

تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در راستای حل بحران بیکاری و جلوگیری از انباشته شدن دانش‌آموختگان بیکار اهمیت دارد.

در بیان ضرورت تحقیق همین بس که استیجن و اسمولدرز (۲۰۰۳)، هررا و ینساب (۲۰۰۳)، گولز (۲۰۰۵) و فیش و لاورن (۲۰۱۰) به بررسی جنبه‌های انتظارات شغلی در جوامع گوناگون پرداخته‌اند، اعم از دانشجویان و ورزشکاران و ارتباط یا تأثیر آن با متغیرهای مختلف مانند جنسیت، نژاد، منشأ قومی، جایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، توانایی افراد، میزان درآمد و جز آن با استفاده از نظریه‌هایی مانند نظریه‌های دو عاملی هرزبرگ. از طرف دیگر، در داخل کشور پژوهش‌های متعدد نشان‌دهنده ضرورت پرداختن به هدایت انتظارات شغلی دانشجویان در دانشکده‌ها و گروه‌های علمی مختلف، به خصوص رشته تربیت‌بدنی است که رشته تحصیلی مشتق شده از علوم مختلف اعم از فیزیک، شیمی، آناتومی، فیزیولوژی، مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جز آن است. در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود.

رضی (۱۳۸۱)، آراسته (۱۳۸۲ب)، رحمانی و نظری کتولی (۱۳۸۴)، تجاری (۱۳۸۵)، حدادزاده (۱۳۸۷)، فراهانی و بیات (۱۳۸۸)، صمدی و همکاران (۱۳۸۸)، قریشی‌راد (۱۳۸۸)، عزیزیان‌کهن و همکاران (۱۳۸۸)، صالحی‌عمران و یغموری (۱۳۸۹)، فراهانی و همکاران (۱۳۸۹)، قارون (۱۳۸۹)، مختاری‌یوزناب (۱۳۸۹)، مهدی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) و انتظاریان و طهماسبی (۱۳۹۰) به بررسی عوامل گوناگون مرتبط با شغل افراد پرداختند، اعم از نگرش دانشجویان به آینده شغلی، ارتباط رضایت شغلی با عوامل اقتصادی، آموزشی و تفریحی، مهم‌ترین چالش‌های اشتغال شامل عدم تناسب بین محتوای آموزشی با مهارت‌های شغلی، مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی فارغ‌التحصیلان، رواج نیافتن فرهنگ

رشته تحصیلی (سؤال‌های ۲۲ تا ۲۵) و انتظارات اقتصادی از آینده شغلی (سؤال‌های ۲۶ تا ۳۰) بود.

برای تعیین روایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بین ۱۲ نفر از اساتید دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران متخصص این رشته توزیع و نظرهای اصلاحی ایشان در پرسشنامه نهایی اعمال و در نتیجه روایی صوری و محتوایی پرسشنامه تأیید شد. برای اطمینان از پایایی پرسشنامه در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ بین ۳۰ نفر از افراد جامعه محاسبه شد ($\alpha = 0/84$) و نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تحقیق بود.

برای تجزیه و تحلیل داده، ابتدا اطلاعات و داده‌های تحقیق بر اساس روش‌های آماری توصیفی و با استفاده از جدول و نمودار بررسی شد. در ادامه از آزمون آماری t تک‌متغیره برای بررسی نقش هر یک از مؤلفه‌های تحقیق استفاده شد. تمامی عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد.

یافته‌ها

نتایج نشان داد ۳۵/۴ درصد نمونه‌های تحقیق از نظر جنسیت مرد و ۵۸/۵ درصد زن و ۶/۱ درصد نامشخص بودند. بر اساس نتایج ارائه شده درباره وضعیت سنی (جدول ۱)، بیشتر افراد نمونه (۳۶ درصد) در دامنه ۲۶ تا ۳۰ سال بودند. به علاوه، نتایج درباره وضعیت تحصیلی نشان داد (جدول ۲)، بیش از ۶۵ درصد دانشجویان شرکت کننده در تحقیق در ترم‌های دوم و سوم دوره کارشناسی ارشد، مشغول به تحصیل بوده‌اند.

یافته‌های تحقیق درباره وضعیت اشتغال نمونه حاکی از آن است که ۳۹ درصد افراد نمونه بیکار (۱۲۹ نفر) و حدود ۴۴ درصد (۱۴۴ نفر) نیز دارای کار تمام‌وقت بودند (جدول ۳). نتایج در مورد چگونگی هزینه تحصیل نشان داد (جدول ۴)، هزینه‌های تحصیل بیش از ۵۳ درصد دانشجویان شرکت کننده در تحقیق (۱۷۸ نفر) را خانواده

کارآفرینی دانش‌آموختگان همگام با کشورهای توسعه یافته جهان، و از طرف دیگر برای کاربردی کردن علوم ورزشی متناسب با تغییرات محیطی و دگرگونی‌های بازار کار و نیازهای اقتصادی کشور اقدام کرد. از این رو، هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان است.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، روش تحقیق توصیفی-پیمایشی بود که به صورت میدانی اجرا شد. هدف این پژوهش ارائه توصیفی منظم به صورت واقعی و عینی از نقش مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان بود.

جامعه آماری تحقیق شامل تمامی دانشجویان تربیت‌بدنی مقطع کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ بود (۲۱۴۴ نفر). براساس جدول مورگان، ۳۳۰ نفر نمونه تحقیق انتخاب شدند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای صورت گرفت و نه استان کشور با توجه به توزیع جغرافیایی انتخاب و پرسشنامه بین پانزده دانشگاه منتخب از این نه استان پخش شد. شایان ذکر است پرسشنامه بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی (به استثنای دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی) توزیع شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل ۳۰ گویه بود که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱ به معنی بسیار زیاد، ۲ به معنی زیاد، ۳ به معنی متوسط، ۴ به معنی کم و ۵ به معنی بسیار کم) تنظیم شد. ۳۰ گویه در قالب شش خرده‌مقیاس شامل انتظار از وضعیت شغلی (سؤال‌های ۱ تا ۵)، رضایت از آینده شغلی (سؤال‌های ۶ تا ۱۰)، نقش آموزش نظری در آینده شغلی (سؤال‌های ۱۱ تا ۱۵)، نقش آموزش عملی و مهارتی در آینده شغلی (سؤال‌های ۱۶ تا ۲۱)، ابعاد فرهنگی و اجتماعی

جدول ۱. توزیع افراد نمونه بر اساس وضعیت سنی

سن	تعداد	درصد
۲۱ تا ۲۵ سال	۶۱	۱۸/۵
۲۶ تا ۳۰ سال	۱۱۹	۳۶
۳۱ تا ۳۵ سال	۹۵	۲۸/۸
بالای ۳۵ سال	۳۲	۹/۷
نامشخص	۲۳	۷
مجموع	۳۳۰	۱۰۰

جدول ۲. توزیع افراد نمونه بر اساس وضعیت تحصیلی

وضعیت ترم تحصیلی	تعداد	درصد
ترم اول	۳۸	۱۱/۵
ترم دوم	۹۹	۳۰
ترم سوم	۱۱۷	۳۵/۵
ترم چهارم به بعد	۵۳	۱۶/۱
نامشخص	۲۲	۷
مجموع	۳۳۰	۱۰۰

جدول ۳. توزیع افراد نمونه از نظر وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	تعداد	درصد
اشتغال تمام وقت	۱۴۴	۴۳/۶
اشتغال پاره وقت	۳۳	۱۰
مأمور به تحصیل	۶	۱/۸
بیکار	۱۲۹	۳۹/۱
نامشخص	۱۸	۵/۵
مجموع	۳۳۰	۱۰۰

جدول ۴. توزیع افراد نمونه از نظر چگونگی تأمین هزینه‌های تحصیل

نحوه تأمین هزینه‌های تحصیلی	تعداد	درصد
خوددانشجو	۱۳۵	۴۰/۹
خانواده	۱۷۸	۵۳/۹
نامشخص	۱۷	۵/۲
مجموع	۳۳۰	۱۰۰

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۵، از نظر دانشجویان کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی، نقش سیاست‌گذاری دولتی بر انتظارات شغلی دانشجویان در حد «زیاد»، نقش سیاست‌گذاری دولتی بر رضایت شغلی

این دانشجویان تأمین می‌کند. براساس نتایج آزمون t تک‌متغیره (با عنایت به اینکه میانگین فرضی ۳ برای آزمون‌های آماری در نظر گرفته شده)، می‌توان اذعان داشت که مؤلفه‌های تحقیق در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

اقتصادی و معیشتی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان در حد «زیاد» ارزیابی می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اختلاف میانگین مؤلفه‌های تحقیق با میانگین فرضی سه در تمامی مؤلفه‌ها معنادار بود ($P < 0/05$).

دانشجویان بین «متوسط» تا «زیاد»، نقش آموزش نظری در آینده شغلی دانشجویان بین «متوسط» تا «زیاد»، نقش آموزش عملی و مهارتی در آینده شغلی دانشجویان در حد «زیاد»، نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان بین «متوسط» تا «زیاد» و نقش عوامل

جدول ۵. نتایج آزمون t تک‌متغیره در بررسی نقش هریک از مؤلفه‌های تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطا	t	Sig
نقش سیاست‌گذاری دولتی بر انتظارات شغلی دانشجویان	۲/۱۰	۰/۷۳۲	۰/۰۴۳	-۲۰/۵۵۰	۰/۰۰۱
نقش سیاست‌گذاری دولتی بر رضایت شغلی دانشجویان	۲/۵۲	۰/۵۴۹	۰/۰۳۲	-۱۴/۵۸۵	۰/۰۰۱
نقش آموزش نظری در آینده شغلی دانشجویان	۲/۴۲	۰/۵۵۰	۰/۰۳۲	-۱۷/۵۰۸	۰/۰۰۱
نقش آموزش عملی و مهارتی در آینده شغلی دانشجویان	۲/۰۰۶	۰/۵۷۲	۰/۰۳۴	-۲۹/۰۴۵	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان	۲/۴۲	۰/۵۹۷	۰/۰۳۵	-۱۵/۹۷۳	۰/۰۰۱
عوامل اقتصادی و معیشتی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان	۱/۹۴	۰/۶۰۴	۰/۰۳۶	-۲۹/۳۱۳	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از وظایف کلان مدیریتی کشور آینده‌نگری درباره خیل عظیم فارغ‌التحصیلان و برنامه‌ریزی برای اشتغال آنان است. برای رسیدن به این مهم توجه به نظام آموزشی و همسان‌سازی میزان فارغ‌التحصیلان با مشاغل آتی مورد نیاز جامعه و بهبود نابسامانی‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با بازار کار اهمیت بسیار دارد، زیرا نظام آموزشی از یک سو ارزش‌های جامعه را در فرد پرورش می‌دهد، و از سوی دیگر هم‌زمان با پرورش توانایی‌های بالقوه و تفکر انتقادی و خلاقانه او را در جهت فعالیت و تلاش و تصدی مشاغل در بخش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تحریک و آماده می‌کند. حل مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی همان‌گونه که تجربه‌های کشورهای دیگر نشان داده است نیازمند بررسی نیازها و ویژگی‌های تقاضای بازار، همچنین انتظاراتها و توقع‌های منابع انسانی است.

نقش اساسی آرزوها و انتظاراتها در توسعه شغل که در بسیاری از تحقیقات نیم‌قرن اخیر مشخص شده نشان می‌دهد آرزوها و انتظاراتهای شغلی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخابات شغلی دارد و نشان‌دهنده فعالیت اجتماعی آینده

افراد است. از این رو، به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که باید در درجه اول مد نظر مسئولان هر کشوری قرار بگیرد، شناخت استعدادها و علایق و انتظاراتهای جوانان آن کشور و فراهم آوردن فرصت‌ها و امکاناتی به منظور شکوفا کردن و جهت دادن به این استعدادها و تمایلات است، تا بدین وسیله از پتانسیل درون جامعه برای توسعه و پیشرفت آن جامعه کمک گرفت.

نتایج پژوهش حاضر نقش سیاست‌گذاری دولتی بر انتظاراتهای شغلی دانشجویان را زیاد نشان داد. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات فراهانی و بیات (۱۳۸۸) همخوانی دارد. این نتایج نشان می‌دهد دانشجویان انتظار شغلی پرمعنی و مفید را برای خود و جامعه ترسیم می‌نمایند. همچنین، امکان ترقی و رشد مطلوبی را با به کارگیری توانایی‌ها و قابلیت‌های فراگرفته شده در دوره تحصیل پیش‌بینی می‌کنند که با عنایت به نقش زیاد سیاست‌گذاری دولتی بر انتظاراتهای شغلی فرصت مطلوبی برای دولت وجود دارد تا انتظاراتهای دانشجویان را در راستای برنامه‌های ۲۰ ساله کشور جهت‌دهی کند. بنابراین، دولت به عنوان ایجادکننده، کمک‌کننده و تسهیل‌کننده برای پیشبرد جامعه

رضایت دانش‌آموختگان (کارشناسان یا متخصصان) تربیت‌بدنی احتمال حل مسئله بیکاری نه تنها برای دانش‌آموختگان این رشته برطرف می‌شود، بلکه با خلاقیت و کارآفرینی این افراد، اشتغال‌زایی افراد با تحصیلات پایین یا فاقد مهارت با بهره‌گیری از علوم ورزشی مهیا خواهد شد (از جمله، کاربرد بیومکانیک ورزشی در ساخت تجهیزات با کیفیت مطلوب، مکمل‌های ورزشی، بازاریابی ورزشی، و رویدادهای ورزشی). همچنین، سلامت روحی و جسمی افراد جامعه با استفاده از دانش متخصصان ورزش تضمین خواهد شد.

تحقیق حاضر نشان داد نقش آموزش نظری در آینده شغلی دانشجویان بین متوسط تا زیاد است. این نتیجه با نتایج تحقیقات صمدی و همکاران (۱۳۸۸)، عزیزیان کهن و همکاران (۱۳۸۸)، قارون (۱۳۸۹)، و فراهانی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد. این در حالی است که بحران بیکاری در جوامع در حال توسعه ریشه دوانیده است و دولت‌ها قادر به برطرف کردن نیازهای فناوری جوامع خود نیستند، چرا که بیشتر خروجی‌های دانشگاه‌ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارد. بیشتر دروس دانشگاهی، به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی، نظری است و تلاش جدی برای کاربردی کردن آن‌ها صورت نگرفته است. بنابراین، دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی باید سطح کیفی و کمی دروس نظری مهم از دروس عمومی، پایه و تخصصی را از یک طرف مبتنی بر نیازهای علمی و اقتصادی و دگرگونی‌ها و نوآوری‌های فناوری، جهت دستیابی دانشجویان علاقه‌مند به پژوهش به مرزهای دانش علوم ورزشی و تربیت‌بدنی و از طرف دیگر بر مبنای آینده‌پژوهی تغییرات محیطی بازار کار، به منظور حرفه‌ای کردن علوم و ایجاد هماهنگی و همخوانی با نیازهای بازار کار در حوزه ورزش تنظیم کنند.

نتایج این تحقیق نشان داد نقش آموزش عملی و

در مسیر توسعه پایدار علمی و کارآفرینی دارای جایگاه راهبردی است و وضعیت مطلوبی دارد و می‌تواند نسبت به سرمایه‌گذاری صحیح در نظام آموزشی، ایجاد گروه‌های تحقیقاتی و مراکز رشد دانشگاهی، حمایت اجرایی از طرح‌های کارآفرینی دانشگاهیان، مساعدت نسبت به کارآفرینان جدید، و برقراری تعامل بین دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی با فعالان خصوصی و دولتی حوزه ورزش، اوقات فراغت و تفریحات سالم برای تربیت نیروی کار خبره سیاست‌گذاری کند.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نقش سیاست‌گذاری دولتی بر رضایت شغلی دانشجویان بین متوسط تا زیاد است. این نتیجه با نتایج تحقیقات فراهانی و بیات (۱۳۸۸) همخوانی دارد. رضایت شغلی^۱ یکی از عوامل بسیار مهم در موفقیت شغلی است و باعث بهبود کارآیی و احساس رضایت فردی می‌گردد (واقفی‌نظری، ۱۳۸۹). برانگیختن کارکنان و رضایت آنان از شغلشان، بیشتر با جنبه‌های درونی و کیفی شغل از نظر هماهنگی با استعدادها، چالش‌برانگیزی، نوع همکاری و رابطه با دیگران، سیستم پاداشی که منجر به عدالت و مساوات شود، میزان پیشرفت و موفقیت و بالاخره شرایط محیط کار که انجام کار و دستیابی به اهداف را تسهیل و از افراد حمایت کند رابطه دارد (طریقتی، ۱۳۸۸).

از طرف دیگر، مراکز علمی تربیت‌بدنی برای بقا و اثربخشی خود باید فعالیت‌هایشان را متناسب با فشارهای محیطی، ابتدا بررسی و سپس اصلاح نمایند (حیدری، ۱۳۸۳). لذا، با عنایت به نقش متوسط تا زیاد سیاست‌گذاری دولت بر رضایت شغلی و به تبع موفقیت شغلی دانشجویان، پیشنهاد می‌شود دولت در اعطای تسهیلات در حوزه ورزش و کارآفرینی ورزشی، دانش‌آموختگان رشته تربیت‌بدنی را در اولویت قرار دهد؛ در نتیجه با عنایت به کارآیی و احساس

1. job satisfaction

مهارتی در آینده شغلی دانشجویان در حد زیاد است. این نتیجه همخوان با نتایج تحقیقات صمدی و همکاران (۱۳۸۸) و مختاری یوزناب (۱۳۸۹) است و حاکی از اهمیت دروس عملی و مهارتی است. بنابراین، دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی باید سیاست‌های خود را جهت افزایش کیفیت آموزش‌های عملی و مهارتی دانشجویان بهبود دهند. در این راستا، افزایش کیفیت آموزش مهارت‌ها و عمق بخشیدن به آموزش‌ها جهت حرفه‌ای کردن علوم از طریق تعامل با سازمان‌ها و نهادهای اجرایی مانند وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها، کمیته ملی المپیک، ارگان‌های متولی ورزش، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان‌ها و ارگان‌های فعال در حوزه گردشگری، بیمه‌ها به منظور فعالیت‌های پیشگیرانه به کمک ورزش همگانی برای سلامت افراد تحت پوشش، سازمان بورس و رسانه ملی بسیار مفید خواهد بود. همچنین، مدیران و مسئولان با دیدی آینده‌نگر می‌توانند با به‌کارگیری دروس مهارتی لازم و متناسب با دروس نظری و شرایط کاری شغل در جامعه کاری و با ایجاد هم‌فکری و تعامل لازم با بخش صنعت کمک‌های شایانی را در بهبود وضعیت کاری و شغلی دانشجویان در زمینه فناوری مرتبط با علوم ورزشی یا تولید تجهیزات ورزشی داشته باشند.

تحقیق حاضر نشان داد نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان بین متوسط تا زیاد است که این نتیجه هم‌راستا با نتایج فیش و لاورن (۲۰۱۰)، صمدی و همکاران (۱۳۸۸) و مختاری یوزناب (۱۳۸۹) است. فیش و لاورن (۲۰۱۰) اظهار می‌دارند که انتظارات شغلی با انتخاب (دوست داشتن) شغل، همچنین جایگاه شغل به وجود می‌آید. همچنین، مختاری یوزناب (۱۳۸۹) نشان داد شاغلان در حوزه ورزش شأن و منزلت اجتماعی مثبت در جامعه دارند. البته، رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، امروزه در تمامی کشورهای دنیا چه در بحث مدیریت و چه در مباحث تخصصی تمرینی جایگاه خود را

پیدا کرده و با سرعت رو به پیشرفت است. در کشورمان نیز این رشته باید به شکل تخصصی در اجتماع جایگاه خود را دریابد. هرچند در سال‌های اخیر در جهت رشد ابعاد علمی و اجتماعی رشته تربیت‌بدنی گام‌هایی برداشته شده است، اما همچنان بسیاری از مشاغل که دانش‌آموختگان این رشته پتانسیل خدمت به جامعه را دارند ناشناخته مانده است (از جمله حرکات درمانی و اصلاحی، تغذیه ورزشی، بیومکانیک ورزشی، ورزش مرتبط با سلامتی، درمان بیماری‌های عصبی-عضلانی به کمک متخصصان رفتار حرکتی، تغذیه ورزشی، روان‌شناس ورزش، مدیریت ورزش).

البته، لازم به توضیح است که قله‌های مدیریتی ورزش کشور در اختیار افراد غیرمتخصص، فاقد تحصیلات مرتبط تربیت‌بدنی و اشخاص سیاسی است، که احتمالاً علت اصلی ناشناخته ماندن پتانسیل موجود در دانش‌آموختگان رشته تربیت‌بدنی در خدمت مؤثر به جامعه و متوسط بودن شأن و منزلت این رشته تحصیلی از دید نمونه تحقیق است. بنابراین، مسئولان امر باید با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری عقلایی از یک‌طرف نسبت به هدایت انتظارات شغلی و آماده‌سازی علمی و عملی دانشجویان برای در اختیار گرفتن مشاغل مرتبط اقدام کنند، و از طرف دیگر شرایط را در سیستم مدیریتی کشور و جامعه برای ایجاد فضای کار متخصصان رشته تربیت‌بدنی (آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی، رفتار حرکتی، مدیریت ورزشی، بیومکانیک ورزشی، فیزیولوژی و تغذیه ورزشی و جز آن) فراهم آورند.

در نهایت، نتایج تحقیق نشان داد نقش عوامل اقتصادی و معیشتی مؤثر بر انتظارات شغلی دانشجویان در حد زیاد است. این نتیجه با نتایج صمدی و همکاران (۱۳۸۸) و گولز (۲۰۰۵) همخوانی دارد. امروزه، نیروی انسانی متخصص و ماهر مهم‌ترین عنصر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهاست و نقش سرمایه انسانی

ورزش، طب ورزش، همچنین فناوری تولید تجهیزات و امکانات ورزشی مانند کفش ورزشی یا چوب اسکی و جز آن، فناوری تجهیزات تحقیقات علوم ورزشی و فناوری تجهیزات پر کاربرد در رویدادهای ورزشی. در ضمن، با دستیابی به این علوم و فناوری و تعامل با کارآفرینان حوزه ورزش می‌توان با اشتغال‌زایی، همچنین تولید انبوه لوازم ورزشی گوناگون و عرضه آن در بازار داخلی و خارجی، شعار «تولید ملی، سرمایه ملی» را رواج داد.

برخی دانشکده‌ها و گروه‌های دیگر با محور قراردادن آموزش، صرفاً به تربیت نیروهای متخصص و کارآمد برای رفع نیازهای روزمره جامعه پردازند، مانند تربیت معلم و مربی ورزش در راستای گسترش ورزش پرورشی و تربیت کارشناس تربیت‌بدنی جهت اشغال در ارگان‌های مختلف مانند بیمه‌ها برای حل مشکلات اجتماعی و سلامت افراد جامعه در راستای گسترش ورزش همگانی. همچنین، دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی با تعامل با فدراسیون‌های ورزشی، از طرفی نسبت به افزایش مهارت اساتید و به‌روزرسانی اطلاعات آنان همگام با تغییرات قوانین بین‌المللی اقدام کنند، و از طرف دیگر زمینه ایجاد تخصص حرفه‌ای در یکی از رشته‌های ورزشی را برای دانشجویان فراهم آورند.

توصیه می‌شود، دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی با بازنگری در دروس نظری و عملی، هماهنگی اساتید در جهت ایجاد رویکردهای جدید در تدریس با دیدی کاربردی‌تر، ایجاد امکانات سخت‌افزاری جدید و مدرن مانند آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های کاربردی و عرضه چهار واحد کارورزی در ارگان‌ها و مؤسساتی که در حوزه ورزش فعالیت دارند - مانند تیم ورزشی، مدارس، ارگان یا سازمانی که حوزه فعالیتش متناسب و هماهنگ با علاقه‌مندی و استعداد دانشجو برای آینده شغلی است - در راستای حرفه‌ای کردن علوم ورزشی اقدام نمایند. همچنین،

یک کشور در میزان رشد و توسعه اقتصادی آن اهمیتی بیش از گذشته یافته است. بنابراین، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی موازی با اختصاص منابع و تسهیلات به کارآفرینان و طرح‌های زودبازده اقتصادی دانشگاهیان یکی از اساسی‌ترین راه‌ها برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی است. همچنین، به منظور تضمین آینده شغلی دانشجویان مناسب به نظر می‌آید. احتمالاً این امر در رشته تربیت‌بدنی به دلیل میزان زیاد نقش عوامل اقتصادی و معیشتی بر انتظارات شغلی دانشجویان بسیار مؤثر خواهد بود. لذا، با آموزش تخصصی کارآفرینی و اختصاص تسهیلات به دانش‌آموختگان می‌توان نوآوری در طرح‌های اجرایی و واقع‌گرایانه و اشتغال‌زا را تضمین کرد.

پیشنهادها

در پایان، با عنایت به یافته‌های پژوهش، راهبرد پیشنهادی محقق به مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی عبارت است از تقسیم مسئولیت در دانشکده‌ها و گروه‌ها با سه رویکرد آموزش محور، پژوهش محور و کارآفرین به ترتیب در راستای دستیابی به مرزهای علوم ورزشی در جهان، حرفه‌ای کردن علوم از طریق افزایش کیفیت آموزش عالی در رشته تربیت‌بدنی، و کارآفرینی و حل بحران بیکاری با اختصاص تسهیلات خوداشتغالی به دانشگاهیان کارآفرین حوزه ورزش. در ادامه، سیاست‌هایی برای دستیابی به راهبرد پیشنهادی طرح می‌شود.

در راستای تضمین راهبرد فوق پیشنهاد می‌شود دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی از مقطع پیش از تحصیلات تکمیلی با شناسایی و هدایت استعدادها به دنبال تربیت نخبه علمی، دانشمند و نظریه‌پرداز به منظور دستیابی به مرزهای علوم ورزشی در جهان در گرایش‌های مختلف باشند، اعم از بیومکانیک ورزشی، فیزیولوژی ورزشی، روان‌شناسی ورزشی، مدیریت ورزشی، جامعه‌شناسی ورزشی، آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی، مهندسی

داخلی و خارجی نسبت به آموزش روش‌های طراحی، ساخت و بازاریابی لوازم ورزشی اقدام کنند و زمینه برای آشنایی بیشتر دانشجویان علاقه‌مند به این بخش در حوزه کارآفرینی فراهم شود. برای دانشجویان خلاق و نوآور نیز فرصت تولید لوازم و تجهیزات ورزشی متناسب با تمرینات گوناگون ورزشی و فرهنگ اسلامی ایرانی به وجود خواهد آمد. همچنین، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌های مردم‌مدار (NGO) که در خارج کشور مشغول عرضه خدمات در حوزه ورزش‌اند شناسایی می‌شوند و فعالیت‌های آن‌ها برای دانشجویان تشریح می‌شود تا شرایط برای پیشرفت دانشجویان علاقه‌مند به این حوزه فراهم شود.

همچنین، باید سیاست‌گذاری دولت به سمتی باشد که تخصص‌گرایی را سرلوحه قرار دهد و در حوزه ورزش از متخصصان، به خصوص از افراد دارای تحصیلات مرتبط با مدیریت ورزشی و با تجربه عملی و اجرایی در رشته ورزشی مربوط استفاده کنند. در نتیجه، به انتظارهای دانشجویان و جوانان نسل سوم و شاید چهارم انقلاب جامعه عمل بیوشاند. نتایج تحقیق نشان داد این افراد آینده‌شغلی خود در جامعه را مثبت و پربار ترسیم کرده‌اند و انگیزه و علاقه و مهارت مورد نیاز برای کارآفرینی و ایجاد اشتغال را دارند.

در ساختار دانشکده‌های تربیت‌بدنی، دفتری به عنوان «دفتر ارتباط دانش و حرفه» پیش‌بینی شود تا از طریق آن دانشجویان بهتر با شرایط واقعی بازار کار در حوزه ورزش آشنا شوند.

یکی از رویکردهای پیشنهادی به دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی محور قرار دادن رویکرد کارآفرینی است. پیشنهاد می‌شود کارآفرینان طبق وظایف و رسالتی که دارند به دنبال طراحی الگوهای برای کارآفرینی در جامعه باشند، مانند تشکیل گروه‌های علمی در عرضه خدمات ورزشی اعم از برنامه تغذیه و برنامه تمرینی که هر یک با هدف افزایش، کاهش و حفظ وزن بدن یا کاهش قند خون و جز آن طراحی شود.

گروه‌های تولیدی لوازم ورزشی گوناگون با توجه به ارگونومی ورزش‌ها و بیومکانیک آنان و اهداف ورزشکاران در دستیابی به اوج عملکرد ایجاد شود. همچنین، دانشکده‌ها با برگزاری درس بازاریابی در ورزش و بهره‌گیری از توانمندی‌ها و آموخته‌های دوران تحصیل، دانش‌آموختگان را با روش‌های کسب درآمد و ایجاد اشتغال راهنمایی کنند. با آگاهی از نیازهای مشاغل که نیاز به حمایت دارند، به نظر می‌رسد دولت در بهترین موقعیت باید به دنبال تعیین سیاست و طراحی برنامه‌ها با هدف تشویق کارآفرینی ورزشی باشد. همچنین، توصیه می‌شود دولت تسهیلات ویژه‌ای در نظر بگیرد، از قبیل وام خوداشتغالی و کارآفرینی در راستای حمایت از دانش‌آموختگان رشته تربیت‌بدنی که در یکی از رشته‌های ورزشی مانند شنا، فوتبال و جز آن دارای مدرک مربیگری از فدراسیون مربوط‌اند. همچنین، پیشنهاد می‌شود نشست‌ها و همایش‌هایی به منظور آشنایی دانشجویان با مبانی کارآفرینی و فرصت‌های شغلی پیش روی آن‌ها، در دانشکده‌های تربیت‌بدنی برگزار شود.

همچنین، توصیه می‌شود دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی با تعامل با مراکز تولیدی لوازم ورزشی معروف

¹. non-governmental organization

منابع

۱. خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ صحنه، بهمن (۱۳۸۷). «نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی». فصلنامه آموزش عالی، سال اول، شماره ۳.
۲. روشن، احمدرضا (۱۳۸۹). «بهبود یابی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۸: ۹۷-۱۱۵.
۳. سعیدی رضوانی، محمود؛ محمد حسین‌زاده، معصومه؛ باغکلی، حسین (۱۳۸۹). «سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد». مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱(۲): ۵۷-۸۶.
۴. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). «شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی و پژوهش در ایران با تحلیلی بر برخی مطالعات انجام شده»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال سوم، شماره ۱.
5. Burhanettin, Z.; Lütfi, M.; Seyit, A. S. (2011). "A Research on Sufficiency of University Education about Satisfaction of University Student's Career Expectations". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 24:496-504.
۶. گودرزی، علی (۱۳۸۴). «مروری بر کارکردها و چالش‌های آموزش عالی». فصلنامه علمی راهبردی زیرساخت، شماره ۱.
۷. کوثری، مریم؛ نوروززاده، رضا (۱۳۸۸). «تبیین ویژگی‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۴: ۱-۱۸.
۸. روشن، احمدرضا (۱۳۸۸). «رهیافت‌هایی برای تأمین مالی دانشگاه‌های دولتی». مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران.
9. Golse, T. (2005). "Review from entry level: student perception of critical information system job attributes". www.admorg/pubs/contents.
10. Fish, A.L. and Lauren, A. (2010). "Career expectations and perceptions of part-time mba students." *College Student Journal*, 44, No. 3.
۱۱. فاضلی، عصمت (۱۳۸۲). «رابطه شغلی - تحصیلی و بهره‌وری دانش‌آموختگان روان‌شناسی در ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۷ و ۲۸: ۲۱۵-۲۴۵.
۱۲. حیدری، احمد (۱۳۸۳). «کارآفرینی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی». مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۳-۲۰۴.
۱۳. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۲). «توسعه کارآفرینی و دانش‌آموختگان». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۰.
۱۴. انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸). «ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال، مورد برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳: ۱-۲۷.
۱۵. قارون، معصومه (۱۳۸۳). «دولت، آموزش عالی و اشتغال». مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته‌شده دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
۱۶. مهرعلی‌زاده، یدالله؛ آرمین، سیدعزیز (۱۳۸۶). «بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی

- ایران». *دوماهنامه دانشگاه شاهد*، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره ۲۶.
۱۷. واقفی نظری، راحله‌سادات (۱۳۸۹). انتظارات شغلی دانشجویان تربیت بدنی از شغل و آینده شغلی شان در دانشگاه‌های آزاد شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
۱۸. آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). «کارآفرینی و آموزش عالی؛ اصول و موانع». *مجله رهیافت*، شماره ۲۹.
۱۹. آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). «رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانش آموخته خارج از کشور در ایران». *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۷-۲۸.
۲۰. مندعلی‌زاده، زینب؛ هنری، حبیب (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اثرگذار بر کارآفرینی در ورزش؛ به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره دوم، شماره ۲: ۱۱۳-۱۳۶.
۲۱. عادلخانی، امین؛ واعظ‌موسوی، سیدمحمد کاظم؛ فراهانی، ابولفضل (۱۳۹۱). «سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی (سیاست‌گذاری و راهکارها)». *نشریه مجلس و راهبرد*. شماره ۶۹: ۵-۳۲.
۲۲. کیوانلو، میثم (۱۳۹۰). بررسی انتظارات شغلی مدیران تربیت بدنی از کارآفرینی دانشجویان تربیت بدنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
23. Stijen, B. & Smolder, P. (2003). "Work values and experiences in the dutch public and private sectore". www.soc.kuleuven.be.
24. Herrera, R. & Yeansub, J. (2003). "Career expectations in NCAA student and athletics." www.thesportjournal.org/journal/Vol6-No1/satisfaction.Asp.
۲۵. رضی، داوود (۱۳۸۱). سنجش نگرش دانشجویان به آینده شغلی خود با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر آن در دانشگاه مازندران. انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۶. رحمانی، رامین؛ نظری کتولی، علی (۱۳۸۴). «چالش‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها». *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۵۳.
۲۷. تجاری، فرشاد (۱۳۸۵). «مطالعه آمادگی کارآفرینی در ورزش». *مجله پژوهش در علوم ورزشی*، شماره ۱۰.
۲۸. حدادزاده یزدی، حمیده (۱۳۸۷). «بررسی انتظارات شغلی دانشجویان رشته تربیت بدنی از اشتغال و آینده شغلی شان در استان یزد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
۲۹. فراهانی، ابوالفضل؛ بیات، فاطمه (۱۳۸۸). «بررسی میزان انتظارات شغلی دانشجویان تربیت بدنی در استان خراسان رضوی». *مجله رویش*.
۳۰. صمدی، محمدتقی؛ تقی‌زاده، جاوید؛ کاشی تراش اصفهانی، زهرا؛ محمدی، مجید (۱۳۸۸). «نگرش دانشجویان رشته بهداشت و محیط دانشگاه علوم پزشکی همدان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، زمستان.
۳۱. قریشی‌راد، فخرالسادات (۱۳۸۷). «بررسی میزان امیدواری به اشتغال در آینده دانشجویان رشته‌های علوم انسانی». *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، جلد ۲۹، شماره ۱: ۴۷-۶۶.
۳۲. عزیزیان کهن، نسرین؛ فراهانی، ابوالفضل؛ گودرزی، محمود؛ احمدی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). «نقش سرفصل و محتوای دروس تربیت بدنی در کارآفرینی دانش‌آموختگان این رشته». *نشریه مدیریت ورزشی*، شماره ۱: ۲۰۳-۲۱۴.
۳۳. صالحی عمران، ابراهیم؛ یغموری، سعید (۱۳۸۹). «بررسی مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار با توجه به اقتصاد جهانی در برنامه‌های درسی آموزش عالی». *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱۶۵-۱۸۸.
۳۴. فراهانی، ابوالفضل؛ گودرزی، محمود؛ نادری، ندا (۱۳۸۹). «نقش آموزش‌های رسمی و برنامه‌های کمک درسی رشته تربیت بدنی در مقطع کارشناسی ارشد در تأمین مهارت کارآفرینی دانشجویان از نظر دانش‌آموختگان». *نشریه مدیریت*

ورزشی، شماره ۶: ۱۰۱-۱۱۹.

۳۵. قارون، معصومه (۱۳۸۹). «متوازن نمودن تحصیلات دانشگاهی با نیازهای کشور: مسائل و راهکارهای معطوف به آموزش عالی». نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال سوم: ۶۳-۸۸.
۳۶. مختاری یوزناب، زینب (۱۳۸۹). بررسی انتظارات شغلی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی ایران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
۳۷. مهدی‌زاده، احمد؛ محمودی، حسین؛ عبادی، عباس؛ رحیمی، ابوالفضل (۱۳۹۰). «تیین انتظارات اعضای هیئت علمی دانشکده‌های پرستاری شهر تهران از مدیریت دانشکده: یک مطالعه کیفی». مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)، دوره ۱۸، شماره ۱: ۵۲-۶۶.
۳۸. انتظاریان، ناهید؛ طهماسبی، طاهره (۱۳۹۰). «بررسی میزان هماهنگی و انطباق نظام آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار». ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۰.
۳۹. طریقتی، تینا (۱۳۸۸). بررسی نظرات دانشجویان کارشناسی تربیت‌بدنی مؤسسه آموزش عالی شمال (غیرانتفاعی-غیردولتی) در خصوص اشتغال و انتظارات شغلی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران.

Management and Policymaking of Physical Education Faculties and Departments and Directing Students' Job Expectations Postgraduate Students' Perspectives

Aboufazl Farahani^{1*}, Elham Gholampour², Amin Adelkhani

(Received: 22 April 2013 Accepted: 4 Sep. 2013)

Abstract

Management and policies governing on education in educational faculties and departments are among the influencing factors in gaining ability and job preparation of graduated students. In addition, the students' perspectives, as the goal population, are taken into consideration in shaping the job expectations. Therefore, the purpose of the present study was to examine the role of management and policymaking of physical education faculties and departments in directing the job expectations of students via analyzing their postgraduate students' perspectives. The method of this study was descriptive-survey conducted based on field study approach. The statistical population of the research consisted of all postgraduate physical education students studying in 2011-2012. Applying Morgan Formula, 330 subjects have been randomly selected among this population through cluster sampling. The research instrument consisted of a researcher-made questionnaire that has been distributed among respondents after ensuring its validity and reliability ($\alpha=0.84$). Descriptive statistics and Univariate *t*-test have been utilized to analyze the collected data. The results of the study showed that the respondents evaluated the role of governmental policymaking in their job expectations and job satisfactions "high" and "moderate" to "high" respectively. In addition, the findings showed that the role of theoretical training in their career future is between "moderate" to "high", while the role of practical and skills training in their career future is "high". The findings also indicated that the effects of social and cultural factors as well as economic and living factors on students' job expectations were evaluated to be "moderate" to "high" and "high" respectively. It was also demonstrated that the mean disparity of all research items with the hypothetical mean of three has been meaningful ($P<0.05$). In general, the role of management and policymaking of physical education faculties and departments is very important and vital. Regarding the findings of this study, the strategies suggested by researchers to the curriculum planners and educational content suppliers in postgraduate degree of physical education in respect to shifting the orientation of current educational systems from training-based system towards research-based system, and research-based courses towards making skills and entrepreneurship environments is according to the provided strategies.

Keywords

job expectations, management and policymaking, physical education, strategy and policy.

1. Professor in Sport Management, PNU, Iran.
2. M.Sc. in Sport Management, PNU, Iran

Email: afarahani@pnu.ac.ir